www.aminnews.ir aminnewspaper1376 روزنامه سراسری وکثیرالانتشار صبح ایران قیمت ۱۰۰۰۰ تومان aminnewsagency amine.mardom@yahoo.com



تنگه هرمز خط قرمز راهبردی ایران

امین

PDF Compressor Free Version

نمایشگاه کتاب و مطبوعات تبریز؛ در خم وعده‌درمانی!



یکشنبه ۱۹ مهر ۱۴۰۵ / ۱۹ ربیع الثانی ۱۴۴۸ هـ. ق / 11 October 2026 / شماره ۷۳۲۷ / سال بیست و نهم



در نشست رؤسای جمهور ایران، روسیه و آذربایجان مطرح شد؛

تأکید بر گسترش همکاری‌های سه‌جانبه و تقویت تعاملات در حوزه خزر

یادداشت

در سیستان و بلوچستان چه می گذرد؟

نسیبه پیرایش

در هفته‌ای که گذشت، استان سیستان و بلوچستان بارها در کانون توجه خبرگزاری‌ها قرار گرفت. اوج‌گیری مجدد درگیری‌های مسلحانه و حملات روز مره به نیروهای نظامی و انتظامی در این استان، هم‌زمان با افزایش احتمال رویارویی نظامی میان تهران، واشنگتن و تل‌آویو، زنگ خطر را در محافل راهبردی به صدا درآورده است.

در تازه‌ترین موارد، روز ۱۷ مهر، افراد مسلح با شلیک به مینی‌بوس حامل کارکنان لشکر ۸۸ زرهی ارتش در نزدیکی نیک‌شهر، یک نظامی را به شهادت رساندند و سه تن دیگر را مجروح کردند. هم‌زمان، در حادثه‌ای جداگانه در نزدیکی زاهدان، یک مأمور پلیس جان باخت؛ حوادثی که سه روز پس از کشته شدن دو مأمور فراجا در نزدیکی بمپور و به‌دنبال هفته‌ها تبادل آتش و عملیات‌های ضد شورش به وقوع پیوستند. گروه جیش‌الظلم مسئولیت حمله در محور چشمه زیارت زاهدان را که به شهادت نصرت افتخاری، معاون فرهنگی و اجتماعی فرماندهی انتظامی سیستان و بلوچستان، انجامید، بر عهده گرفت. حالا نگرانی‌ها از تبدیل این مناطق مرزی به جبهه‌ای فعال برای تضعیف درونی، پراکنده‌سازی توان دفاعی و تهدید شاهراه اقتصادی مکران و چابهار به اوج رسیده است.

به عقیده کارشناسان، اگرچه تحرکات مسلحانه در این استان سابقه‌ای دیرینه دارد، اما الگوی حملات اخیر از ارتقای انسجام عملیاتی و تلاشی برنامه‌ریزی‌شده حکایت می‌کند؛ تلاشی که هدف آن، ارتقای ناامنی‌های محلی به سطحی بالاتر و ایجاد چالشی مستقیم برای اقتدار دولت مرکزی است. در شرایطی که مقامات ایرانی بیش از هر زمان دیگری خود را برای مواجهه با درگیری نظامی مجدد با ایالات متحده و اسرائیل آماده می‌کنند، این نگرانی جدی در میان استراتژیست‌های کشور وجود دارد که اتاق‌های فکر متخاصم، با فعال‌سازی گروه‌های مسلح مرزی، به‌دنبال ناامن‌سازی درونی، پراکنده‌سازی توان نیروهای مسلح و بسترسازی برای عملیات‌های نظامی خارجی باشند.

اما فراتر از این تحلیل‌ها، نقطه کور ماجرا، نه صرفاً وقوع این حوادث که گم شدن جزئیات آنها در میان انبوه اخبار روزمره و محدود ماندن اطلاع‌رسانی به اعلام اصل حادثه است. در چنین شرایطی، افکار عمومی، از آمار و جزئیات این حملات پراکنده مطلع می‌شود اما تصویر روشنی از وضعیت امنیتی استان، گستره ناامنی‌ها و تاثیر آنها بر زندگی روزمره مردم در اختیار ندارد. پرسش اصلی اینجاست که فراتر از خبر شهادت نیروهای نظامی و انتظامی، در مناطق درگیر چه می‌گذرد؟ مردم محلی تا چه اندازه احساس امنیت می‌کنند؟ فعالیت‌های روزمره، رفت‌وآمدها و دسترسی آنان به خدمات عمومی چه وضعیتی دارد؟ و مسئولان تا چه اندازه توانسته‌اند تصویری دقیق، مستند و قابل ارزیابی از شرایط موجود ارائه کنند

ادامه در همین صفحه

انحراف در تجمعات شبانه

* عاطفه پیرایش دانشجوی دکتری فلسفه



علیرضا پناهیان، یک روحانی مشهور به تازگی در یک سخنرانی مدعی شده است که برخی از کسانی که در تجمع ها حضور داشتند و علیه برخی از مسئولین شعار می دادند، ضد انقلاب و بهایی بوده اند. این اظهارات با موضع گیری برخی از چهره های سیاسسی و تحلیل گران همخوانی دارند که معتقد بودند عده ای در تلاش هستند تا تجمعات شبانه حامیان نظام را به انحراف بکشانند و از آن برای مقاصد سیاسی خود استفاده کنند.

این اظهارات بار دیگر پرسش نفوذ را مطرح می کند، پرسشی که پس از هفت ماه از زمان آغاز جنگ امریکا علیه کشورمان هنوز پاسخی به آن داده نشده است. این در حالی است که بسیاری از تحلیل گران اذعان می کنند که جنگ سوم میان ایران و امریکا و اسرائیل در آستانه ی وقوع است و چهره های نظام نیز در سخنرانی های خود تاکید می کنند که آماده ی جنگ هستند. اما عوامل نفوذی که حوادث نهم اسفند را رقم زدند، هنوز پیدا نشده اند و بسیاری هنوز در خطر ترور قرار دارند. از این رو ما هنوز به قدر کافی برای جنگ آماده نیستیم.

همه ی این اظهار نظرها، نشانه ای هستند از اینکه برخی در جای اشتباهی به دنبال جاسوسان می گردند و از این رو هیچ گاه آن را پیدا نمی کنند.

در این میان، مجلس در حال تصویب طرح نفوذ است، طرحی که صرفا آزادی های عمومی شهروندان را محدود می کند و عملا نمی تواند هیچ مانع و محدودیتی برای جاسوسان به وجود بیاورد. به نظر می رسد هدف از این طرح اصلا مقابله با نفوذ و افزایش امنیت اطلاعاتی نیست و صرفا جهت انجام برخی تصفیه حساب های سیاسی و تحمیل محدودیت های بیشتر بر مردم عادی طراحی شده است، دقیقا مانند طرح بستن اینترنت که نتوانست مانع از ترور افراد کلیدی نظام شود و صرفا زندگی مردم را مختل کرد.

مشکل دیگر این است که دقیقا مشخص نیست چه کسانی مسئول اداره و هدایت این تجمعات هستند و این افراد بر چه اساسی انتخاب می شوند. برخی بر این باورند که این تجمعات به صورت خودجوش شکل گرفته است. اما طبیعی است که با گذشت زمان یکی از نهادهای مرتبط، وظیفه ی سازمان دهی این تجمعات را بر عهده بگیرد. این نهاد طبیعتا باید توضیحی در خصوص نحوه ی انتخاب هماهنگ کننده ها، لیدرها و سخنران ها ارائه دهد و شیوه ی سازماندهی این تجمعات و مقررات آن را شرح دهد. اما به نظر می رسد چنین چیزی اصلا محقق نشده است.

نکته ی جالب توجه این است که وقتی پزشکیان برای ایراد سخنرانی در مجمع عمومی سازمان ملل حاضر شد، با اشاره به حضور برخی از مردم در این تجمعات شبانه، جمهوری اسلامی را حکومتی دانست با پشتوانه ای مردمی و مشروع. برای رسانه های خارجی دشوار نیست که آماری واقعی از درصد حضور مردم در این تجمعات به دست بیاورند. جالب تر از آن این است که برخی از کسانی که در این تجمعات حضور داشتند و برای نظام مشروعیت سازی می کنند، هنگام بازگشت پزشکیان از نیویورک به کشورمان، با شعار «مرگ بر سازشگر» به استقبال او رفتند چون از اینکه او در مصاحبه با رسانه های امریکایی اظهار کرده بود که ایران آماده است در مورد پرونده ی هسته ای خود مذاکره کند، ناراضی بودند.

آمریکا با تمدن ایرانِ قوی و مستقل مشکل دارد

ولایتی مشاور رهبر انقلاب در امور بین الملل در حساب کاربری خود در فضای مجازی، نوشت: در سخنرانی اخیر «روبیو» یک تناقض آشکار هست. ایستادگی «تا آخرین نفر» در یونان باستان ستایش می‌شود، اما ایستادگی ملت بزرگ ایران با برچسب فرقه مرگ تحقیر می‌شود.

وی تاکید کرد: ستایش مقاومت برای «خودی» و تحقیر آن برای «دیگری» تمدن نیست، فلسفه بافی برای سلطه است آقای روبیو!

مشاور رهبر انقلاب در امور بین الملل در پایان مطلب خود آورده است: مشکل شما با انقلاب اسلامی نیست. با تمدن ایرانِ قوی و مستقل است. آنان که فاجعه‌های هیروشیما، ویتنام، عراق و افغانستان را به وجود آوردند، حق ندارند درس اخلاق بدهند!

***

در سیستان و بلوچستان چه می گذرد؟

ادامه یادداشت

... اهمیت این پرسش زمانی بیشتر می‌شود که تحولات جنوب‌شرق کشور را در بستر تنش‌های منطقه‌ای ببینیم. هنگامی که اطلاعات دقیق، منظم و قابل ارزیابی در دسترس نباشد، امکان سنجش روند تحولات، تشخیص تغییرات احتمالی در الگوی ناامنی و ارزیابی عملکرد نهادهای مسئول نیز محدود می‌شود.

نبود اطلاعات روشن و منظم لزوما به معنای ناتوانی دستگاه‌های مسئول نیست اما می‌تواند فاصله میان واقعیت میدانی و تصویری را که جامعه از آن واقعیت دارد افزایش دهد. فاصله‌ای که در امنیت پایدار، حکم حفره‌ای خطرناک را دارد.

برای عبور از این وضعیت حساس، نهادهای مسئول باید بدانند که شفافیت نه یک انتخاب جانبی، که ابزاری راهبردی برای حفظ سرمایه اجتماعی و خنثی‌سازی نقشه‌هایی است که امنیت جنوب شرق را هدف گرفته‌اند. در میدان جنگ روایت‌ها، سکوت، پرهزینه‌ترین انتخاب است